

افغانستان نصف حقه‌ای ایران را داد!



پس از ماه‌ها انتظار برای تأمین حقه‌ای ایران از رود هیرمند، ۴۱۷ میلیون متر مکعب آب از افغانستان وارد چاه‌نیمه‌های سیستان و بلوچستان شد. این میزان آب کمتر از نیمی از سهمی است که بر اساس معاهده هیرمند باید در سال‌های نرمال آبی به ایران اختصاص یابد. به گزارش رکناب، بر اساس معاهده ایران و افغانستان که در سال ۱۳۵۳ به امضا رسیده، افغانستان موظف است در سال‌های دارای شرایط طبیعی و نرمال آبی، سالانه ۸۵۰ میلیون متر مکعب آب به ایران تحویل دهد. با این حال، آمارهای موجود نشان می‌دهد میزان آبی که تاکنون وارد ایران شده به حدود ۴۱۷ میلیون متر مکعب رسیده است. این در حالی است که افغانستان در ماه‌های اخیر یکی از پرباران‌ترین دوره‌های خود را تجربه کرده و انتظار می‌رفت با بهبود شرایط آبی، حقه‌ای ایران مطابق تعهدات معاهدات تأمین شود. موضوع حقه‌ای هیرمند طی سال‌های گذشته یکی از مهم‌ترین محورهای مذاکرات میان تهران و کابل بوده و همچنان از مطالبات اصلی ایران در حوزه دیپلماسی آب به‌شمار می‌رود.

معرفی ۱۳۰۰ متخلف تعرفه‌های پزشکی به تعزیرات



رئیس مرکز نظارت وزارت بهداشت با تأکید بر اولویت صیانت از حقوق بیماران، از معرفی حدود ۱۳۰۰ پرونده تخلف تعرفه‌ای به سازمان تعزیرات حکومتی در سال گذشته خبر داد. به گزارش ایسنا، حسین حاجی‌میرزایی در نشست «صبحگاه نظارت» اعلام کرد: رعایت دقیق تعرفه‌های مصوب و جلوگیری از تحمیل هزینه اضافی، خط قرمز نظام سلامت است. در این نشست که با حضور مدیران دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور برگزار شد، بر ضرورت وحدت رویه در برخورد با تخلفات و استانداردسازی اقدامات نظارتی تأکید شد. وی از دانشگاه‌ها خواست با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی، با هرگونه تخلف در موسسات درمانی به‌طور قاطع برخورد کنند.

وزیر آموزش و پرورش: امتحانات پایه‌های ۱۱ و ۱۲ نهایی و حضوری برگزار می‌شود



وزیر آموزش و پرورش گفت: امتحانات پایه‌های یازدهم و دوازدهم نهایی و حضوری برگزار می‌شود. علیرضا کاظمی در مراسم رونمایی از سامانه آردوهای دانش آموزی گفت: تلاش می‌کنیم امتحانات از ۱۳ تیر آغاز شود. وی افزود: همه ملاحظات لازم برای کاهش نگرانی دانش آموزان و خانواده‌ها رعایت می‌شود.

تعظیم باشکوه اینستاگرام فارسی مقابل اقدام صاحب یک کانالی



پس از بازگشایی دست و پا شکسته اینترنِت، برخی کسب و کارها در اینستاگرام مجدداً شروع به فعالیت کردند. در این میان اکانت یک کانالی، برای گشتن خود یک تمهید به شدت پر بیننده و البته محترمانه را در پیش گرفته و مردم ایران به خصوص خانواده‌های داغدار حوادث دی‌ماه جنگ چهل‌روزه کسب اجازه کرده‌اند. اقدامی که در خوانش کاربران شبکه‌های اجتماعی قابل ستایش قلمداد شده و البته با واکنش‌های یکدستی همراه است. به گزارش برترین‌ها، آنچه این اقدام را از بسیاری از کمپین‌های مرسوم نزدیک‌شدن یمنی‌ها همدلی اجتماعی است. در روزهایی که بسیاری از برندها و صفحات تجاری برای بازگشت به روال عادی با تردید مواجه هستند، این کانالی در تریج داده به جای نادیده گرفتن فضای عمومی جامعه، آن را به رسمیت بشناسد و نخست از مخاطبان خود اجازه بگیرد. همین رویکرد سبب شده کاربران این پیام‌رانه به عنوان یک طرفدار بازاریابی، بلکه به عنوان نشانه‌ای از درک شرایط اجتماعی تلقی کنند. هرچند در فضای شبکه‌های اجتماعی هیچ اقدامی از نقد و مخالفت مصون نیست، اما امروز واکنش‌ها نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از کاربران، این شوهر بازگشت را محترمانه، سنجیده و متناسب بحال و هوای این روزها ارزیابی کرده‌اند.

عملیات شبانه‌روزی ۱۱۵ اکیب برای جمع‌آوری سگ‌های بلاصاحب



مدیر اداره کنترل حیوانات شهری سازمان پسماند شهرداری تهران از فعالیت مستمر ۱۱۵ اکیب عملیاتی جهت جمع‌آوری سگ‌های بلاصاحب در سطح پایتخت خبر داد. به گزارش ایسنا، حسین صادقی گفت که برآیند کنترل جمعیت این حیوانات بر اساس گزارش‌های مردمی در سامانه ۱۳۷ انجام می‌شود. وی افزود: سگ‌های جمع‌آوری‌شده به مرکز نگهداری آرادکود منتقل می‌شوند. این مرکز به امکاناتی نظیر کلینیک دامپزشکی و تیم‌های متخصص مجهز است و مطابق پروتکل‌های بهداشتی، خدمات درمانی و کنترل جمعیت را اجراء می‌کند.

تردد اسکوترهای برقی بدون پلاک ممنوع شد



رئیس پلیس راهور تهران بزرگ اعلام کرد که تردد اسکوترهای ایستاده و نشسته بدون پلاک در خیابان‌ها و معابر بجز بوستان‌ها و مسیرهای ویژه ممنوع است. به گزارش ایسنا، سردار سیدالابفضل موسوی پور افزود که در حال حاضر پلیس تنها می‌تواند از تردد این اسکوترها جلوگیری کند، زیرا هنوز سازوکار قانونی برای ثبت تخلف یا اعمال قانون نسبت به این وسایل وجود ندارد. وی هشدار داد که در صورت وقوع تصادف، وضعیت حقوقی رانکان اسکوترهای برقی می‌تواند پیچیده‌تر از رانندگان خودرو و موتورسیکلت باشد، چرا که این وسایل به‌شمار پلاک‌گذاری هستند و نه از سازوکارهای متعارف بیمه‌ای برخوردارند.

سازمان بهزیستی از طراحی سامانه ملی غربالگری سلامت روان خبر داد؛ سیطره اضطراب و افسردگی بر ذهن ناامن ایرانیان



سعدیه علیپور

جنگ اگر چه در میدان‌های نظامی آغاز می‌شود، اما میدان نامرئی آن در ذهن و روان انسان هاست؛ میدانی که اگر به‌موقع به آن توجه نشود، آتش‌سوزی و صلح رسمی نیز نمی‌توانند آن را آرام کنند. با این حال مدتی است ذهن جمعی جامعه ایران زیر فشار هم‌زمان چند بحران سنگین قرار گرفته؛ از تهدیدات نظامی گرفته تا ضربات اقتصادی ناشی از تورم مزمن و نااطمینانی به آینده و کنون. همه این‌ها فشار فراوانی بر روان فردی و اجتماعی ایرانیان تحمیل کرده. موضوعی که به نظر می‌رسد مسئولان امر آن را در حوزه‌های استثنائی‌های خود کاملاً نادیده گرفته‌اند.

خبر اعلام شده از سوی سازمان بهزیستی کشور مبنی بر طراحی سامانه ملی غربالگری رایگان سلامت روان که در ضمن خبر از اختلال اضطرابی ۲۰ درصد جمعیت کشور داد، تنها نوک کوه یخی است که عمق آن در آمارها، گزارش‌های بالینی و تجربه زیسته میلیون‌ها شهروند پنهان مانده است.

پیش از بحران‌های اخیر کجا بودیم؟

برای درک وضعیت امروز، باید به سال‌های گذشته رجوع کرد. بر اساس پیمایش ملی سلامت روان که در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰ در سراسر کشور اجرا شد، حدود ۲۳.۴ درصد از جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله ایران دچار یک یا چند اختلال روان‌پزشکی بوده‌اند. این بدان معناست که در آن مقطع، از هر چهار ایرانی یک نفر با اختلال روانی دست‌وپنجه‌نرم می‌کرد.

طرح غربالگری ملی سازمان بهزیستی گامی مثبت است، اما کافی نیست. برای اینکه این اقدام به تحولی ماندگار تبدیل شود، باید بازار اده سیاسی جدی، تخصیص بودجه متناسب، و تغییر در نگرش فرهنگی نسبت به سلامت روان همراه شود

داده‌های به‌روزتر که وزارت بهداشت در سال ۱۴۰۱ منتشر کرد، این رقم را به ۲۵.۱ درصد رسانده است؛ روندی صعودی که در یک دهه، نزدیک به دو واحد درصد افزایش داشته. با احتساب جمعیت فعلی کشور، این آمار به معنای آن است که پیش از ۲۱ میلیون ایرانی با نوعی اختلال روانی مواجه‌اند.

در این میان، دو اختلال بیش از همه خودنمایی می‌کنند: اختلالات اضطرابی با شیوع ۱۵.۶ درصد (که طبق آمار جدید به ۲۰ درصد رسیده است) و اختلالات افسردگی با ۱۲.۷ درصد. این دو گروه به تنهایی بخش اعظم بار اختلالات روانی در کشور را تشکیل می‌دهند.

چه کسانی در خط مقدم اضطراب هستند؟

داده‌های ملی یک الگوی مشخص

جنسیتی رانیز نشان می‌دهند. شیوع اختلالات اضطرابی در زنان به ۱۹.۴ درصد می‌رسد، در حالی که این رقم برای مردان ۱۲ درصد است. مجموعه اختلالات خلقی نیز برای زنان ۱۷.۳ درصد و برای مردان ۱۱.۹ درصد گزارش شده است. کارشناسان این تفاوت را ناشی از بار دوگانه فشار خانوادگی و اجتماعی بر زنان، محدودیت‌های فرهنگی در ابراز هیجان و همچنین آمادگی بیشتر زنان برای مراجعه به مراکز درمانی می‌دانند. توزیع جغرافیایی اختلالات روانی در کشور یکنواخت نیست. از یک سو، شهرهای بزرگ به دلیل ترافیک، آلودگی صوتی و هوا، تراکم جمعیتی و رقابت شدید اجتماعی بار استرس بیشتری دارند. از سوی دیگر، مناطق جنوب، جنوب‌شرق و شمال‌غرب کشور که با چالش‌های توسعه‌نیافتگی، بیکاری بالا و محرومیت اقتصادی دست‌به‌گریبانند، بیشترین نرخ اختلالات روانی را ثبت کرده‌اند.

تورم عامل اصلی اضطراب

فشار اقتصادی ناشی از تورم مزمن سال‌هاست که به‌مهم‌ترین عامل استرس‌زاد زندگی روزمره ایرانیان تبدیل شده است. در شرایطی که نرخ تورم در بازه ۲۰ تا ۵۰ درصد در نوسان است، اما افزایش دستمزدها به‌ندرت از ۲۰ درصد فراتر می‌رود، هر سال به‌طور میانگین ۳۰ درصد از کنترل فرد بر هزینه‌های زندگی کاسته می‌شود.

این شکاف جمعیتی بین درآمد و هزینه، فرایندی سلب‌مهره‌ای از فرسایش روانی را فعال می‌کند. به گفته متخصصان امر در این شرایط در مرحله اول، فرد در شرایط اضطرابی قرار می‌گیرد و تمسک انری ذهنی خود را صرف بقای اقتصادی می‌کند. در مرحله دوم، رفتارهای انطباقی مانند حذف هزینه‌های غیر ضروری، قرض گرفتن و تغییر سبک زندگی فعال می‌شوند. اما اگر این فشار ادامه یابد و چشم‌اندازی برای بهبود نباشد، فرد وارد مرحله سوم یعنی «فرسودگی» می‌شود که با افسردگی، بی‌تفاوتی اجتماعی و ناامیدی مزمن همراه است.

فرسودگی معیشتی» تعبیری است که جامعه‌شناسان اقتصادی برای توصیف وضعیت بخش قابل توجهی از

ایرانیان به کار می‌برند. استرس اقتصادی به‌تدریج به اضطراب مزمن، بی‌خوابی، تحریک‌پذیری و کاهش تمرکز منجر می‌شود؛ علائمی که در طیف وسیعی از جمعیت مشاهده می‌شوند اما کمتر از عنوان «اختلال روانی» شناخته یا درمان می‌شوند.

متخصصان اقتصاد رفتاری این وضعیت را با مفهوم «کاهش عملیت» توضیح می‌دهند؛ وقتی فرد احساس کند کنترل‌پذیری بر زندگی‌اش ندارد، مهم‌ترین سپر محافظ سلامت روانش فرو می‌ریزد.

بحران نظامی؛

به‌منابه یک تورم‌های جمعی درگیری‌های نظامی سال ۱۴۰۴ و پیامدهای آن در سال ۱۴۰۵، بُعد جدیدی از بحران سلامت روان را به تصویر کشید. کارشناسان جمعیت هلال احمر هشدار داده‌اند که استرس و اضطراب ناشی از جنگ حتی در شهرهایی که مستقیماً در معرض تهدید نیستند، تاخیر آشکاری می‌شود. افرادی که در دوران حادثه ظاهر «خوب» به نظر می‌رسند، ممکن است ماه‌ها بعد با فلش‌بک، کابوس‌های شبانه، بی‌خوابی مزمن، حساسیت افراطی به صدا، و احساس بی‌حسی عاطفی مواجه شوند. یکی از چالش‌های اصلی در ایران، انکار یا ناآگاهی نسبت به این اختلال است؛ بسیاری از افراد علائم PTSD را نوعی ضعف شخصیتی می‌پندارند و از جستجوی کمک اجتناب می‌کنند.

این پدیده در ادبیات روانشناسی بحران با عنوان «تروما» از راه دور» یا «ترومای ثانویه» شناخته می‌شود. مغز انسان وقتی با تهدید مواجه می‌شود، هورمون‌هایی مانند آدرنالین و کورتیزول ترشح می‌کند تا فرد را برای «جنگ یا گریز» آماده کند. اما در شرایط بحران

فشار اطلاعاتی و رسانه‌ای؛ عامل مضاعف‌کننده اضطراب

یکی از پدیده‌های جدید که بر شدت بحران روانی می‌افزاید، دریافت پیوسته و گسترده اخبار بحران از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های گوناگون است. انجمن روان‌شناسی ایران در بیانیه‌هایش به صراحت هشدار داده که دریافت بیش از حد اخبار، به‌ویژه از منابع غیررسمی، اضطراب و نگرانی را تشدید می‌کند. در عصر دیجیتال، مغز انسان هرگز از اخبار بحران «فاصله» نمی‌گیرد؛ ترکیبی که متخصصان آن را «اضطراب اطلاعاتی» می‌نامند و می‌تواند در کوتاهمدت به اضطراب حاد و در بلندمدت به فرسودگی روانی منجر شود.

داده‌های پیمایش ملی، افراد بیکار، ساکنین مناطق شهری حاشیه‌نشین، و افراد با وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین بیشترین نرخ اختلالات روانی را تجربه می‌کنند.

این گروه‌ها نه تنها بیشتر در معرض فشار اقتصادی هستند، بلکه دسترسی کمتری به خدمات سلامت روان دارند و به دلیل هزینه‌های بالای روان‌درمانی، عملاً از درمان محروم می‌مانند. این واقعیت «شکاف سلامت روان» را به موازات شکاف اقتصادی ایجاد کرده است.

سامانه ملی بهزیستی و تلاش برای جبران

در پاسخ به این بحران رویه گسترش، سازمان بهزیستی کشور اقدام به طراحی سامانه ملی غربالگری سلامت روان کرده است. بر اساس اعلام رئیس این سازمان، قرار است برای تمامی افراد بالای ۱۸ سال کشور، پیامکی حاوی لینک دو پرسشنامه استاندارد بین‌المللی ارسال شود تا افراد نیازمند خدمات تخصصی شناسایی و به‌صورت رایگان درمان شوند.

این طرح چهار مرحله‌ای است: غربالگری اولیه از طریق پرسشنامه‌های آنلاین، طبقه‌بندی سطح خطر، ارجاع به خدمات تخصصی، و پیگیری ۳۰ روزه افراد پرخطر. هدف اصلی، شناسایی سریع و مداخله زودهنگام برای پیشگیری از مزمن شدن اختلالات است. در کنار طرح غربالگری، سازمان بهزیستی سامانه تلفنی ۱۴۸۰ (صدای مشاور) را به‌صورت شبانه‌روزی ۲۴ ساعته فعال نگه داشته است. این خط تلفنی رایگان به‌عنوان محور اصلی حمایت‌های روانی-اجتماعی در بحران شناخته می‌شود و مشاوران متخصص در زمینه اضطراب، افسردگی، استرس پس از سانحه، مشکلات خانوادگی، و اختلالات روانی خدمات حرفه‌ای، محرمانه و بدون محدودیت زمانی ارائه می‌دهند.

این سامانه که از سال ۱۳۷۱ فعالیتش را آغاز کرده، در دوران بحران‌های اخیر نقش محوری‌تری پیدا کرده و ظرفیت پاسخگویی آن افزایش یافته است.

زخم نامرئی که باید دید

کارشناسان تخمین می‌زنند که آمارهای رسمی که از پیمایش‌های دوره‌ای به دست می‌آید، تنها بخشی از واقعیت را بازتاب می‌دهند. برخی متخصصان معتقدند آمار واقعی اختلالات روانی در ایران بالای ۵۰ درصد است، به این معنا که اغلب داده‌های رسمی به دلیل کم‌گزارشی و ناهوای اجتماعی، ابعاد واقعی بحران نشان نمی‌دهند.

ولی در این موضوع اتفاق نوظهور وجود دارد: سلامت روان جامعه ایران در نقطه حساسی از تاریخ خود قرار دارد. تلاقی طبیعی مانند زلزله یا سیل، به دلیل عنصر تعدد و عامل انسانی، تنش روانی بسیار شدیدتری ایجاد می‌کند. کودکی که در معرض بمباران قرار می‌گیرند بیشتر در معرض ابتلا به افسردگی، اضطراب و PTSD هستند و علائمی چون کابوس شبانه، پرخاشگری، و ترس از صداهای بلند در آن‌ها شایع است.

آنچه وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند آن است که نوجوانی دوره شکل‌گیری هویت، استقلال و معنات، مواجهه با بحران در این دوره سنی می‌تواند آسیب‌های هویتی نسل‌ها را تحت تأثیر قرار دهند.

طرح غربالگری ملی سازمان بهزیستی گامی مثبت است، اما کافی نیست. برای اینکه این اقدام به تحولی ماندگار تبدیل شود، باید بازار اده سیاسی جدی، تخصیص بودجه متناسب، و تغییر در نگرش فرهنگی نسبت به سلامت روان همراه شود.

در این میان کودکان و نوجوانان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه، بیشترین تأثیرات روانی بلندمدت را از شرایط بحرانی می‌پذیرند. پس از حملات نظامی اخیر، متخصصان نسبت به پیامدهای روانی گسترده این بحران بر کودکان و نوجوانان هشدار دادند. اضطراب، اختلال خواب، پرخاشگری و احساس ناامنی، تنها بخشی از واکنش‌های روانی این گروه در مواجهه با شرایط جنگی است.

۲۰ درصد جمعیت در معرض اختلال اضطرابی که سازمان بهزیستی اعلام کرده، نه یک عدد سرد آماری، بلکه صدای میلیون‌ها انسانی است که در خاموشی رنج می‌برند. زخم‌های روانی بر خلاف زخم‌های جسمانی خونریزی ندارند، اما اگر درمان نشوند، می‌توانند نسل‌ها را تحت تأثیر قرار دهند

دکتر محمدرضا محمدی، فوق تخصص روان‌پزشکی کودکان و رئیس مرکز تحقیقات روان‌پزشکی، تأکید کرده که جنگ برخلاف بلایای طبیعی مانند زلزله یا سیل، به دلیل عنصر تعدد و عامل انسانی، تنش روانی بسیار شدیدتری ایجاد می‌کند. کودکی که در معرض بمباران قرار می‌گیرند بیشتر در معرض ابتلا به افسردگی، اضطراب و PTSD هستند و علائمی چون کابوس شبانه، پرخاشگری، و ترس از صداهای بلند در آن‌ها شایع است.

فشار مضاعف بر فقرا

در حالی که بحران روانی طیف گسترده‌ای از جامعه را درگیر کرده، فشار با درآمد پایین و تحصیلات کمتر در خط اول آسیب قرار دارند. بر اساس

زندگی‌اش را پیش‌برد. او بزرگ‌ترین فرزند خانواده بود. دو خواهر و یک برادر داشت. مادرش به ما گفت محمود عاشق بیچه‌ها بود. خواهرزاده‌هایش را بسیار دوست داشت و سال‌ها عادت داشت برای کودکان کم‌برخوردار، شهر، دفتر و مداد و لوازم مدرسه تهیه کند؛ هدیه‌هایی کوچک که لبخندهای بزرگی به همراه می‌آورد.

اما نهم اسفند، سرنوشت برای محمود روایت دیگری نوشته بود؛ روایتی که نام او را همیشه با کودکان مینابی گره زد. آخرین تماسش را صبح همان روز با مادرش گرفت. مثل همیشه نگران مادر بود و احوالش را می‌پرسید، بی آن که بداند تنها چند ساعت بعد، دیگر صدایش شنیده نخواهد شد.

در روزهای بعد، برخی محمود را به اشتباه راننده سرویس مدرسه میان شلیک موشک اول و دوم، محمود آن روز برای همراهی را پدر یکی از دانش‌آموزان به مدرسه رفته بود. وقتی به محل رسید و با صحنه انفجار و آشفتنگی روبه‌رو شد، تصمیم گرفت بماند؛ تصمیم گرفت کمک کند. تصمیم گرفت به میان آتش و دود برود و کودکان را نجات دهد.

در فاصله میان شلیک موشک اول و دوم، محمود وارد محوطه مدرسه شد. یکی از کودکان پیش‌دستانی را از میان آوار و وحشت بیرون آورد و او را سوار خودروی خود کرد. اما کارش تمام نشده بود. می‌توانست همان‌جا بماند. می‌توانست جان خود را نجات دهد. اما بازگشت، برای نجات کودکان بیشتر. برای کمک به معلمان و کادر مدرسه. برای نجات جان انسان‌هایی که بسیاری از آن‌ها را حتی نمی‌شناخت.

ساعت ۱۱:۱۹ دقیقه، موشک دوم فرود آمد. محمود غلامیانی که در کنار کودکان و کادر آموزشی مدرسه جان باخت؛ مردی عادی که در یکی از غیرعادی‌ترین لحظات زندگی، انتخابی بزرگ کرد. او برای نجات دیگران بازگشت؛ و همان‌جا، در میان کودکان میناب، برای همیشه ماندگار شد.



محمود غلامیانی، متولد هفتم خرداد ۱۳۶۹ و مجرد بود. فوق‌دیپلم حسابداری داشت. به فعالیت در بازار بورس علاقمند بود و در کنار آن با پرارید قدیمی‌اش کار می‌کرد تا زندگی‌اش را پیش‌برد. او بزرگ‌ترین فرزند خانواده بود. دو خواهر و یک برادر داشت. مادرش به ما گفت محمود عاشق بیچه‌ها بود. خواهرزاده‌هایش را بسیار دوست داشت و سال‌ها عادت داشت برای کودکان کم‌برخوردار، شهر، دفتر و مداد و لوازم مدرسه تهیه کند؛ هدیه‌هایی کوچک که لبخندهای بزرگی به همراه می‌آورد. اما نهم اسفند، سرنوشت برای محمود روایت دیگری نوشته بود؛ روایتی که نام او را برای همیشه با کودکان میناب گره زد.

به گزارش آوش، روز نهم اسفند، جنگ برای مردم میناب به شکلی دیگر آغاز شد. در همان ساعات غلبه‌مندی، دو موشک بر پیکر دو مدرسه فرود آمد و ۱۲۰ کودک، ۲۶ معلم و عضو کادر آموزشی و ۱۰ شهروند عادی که هیچ کدام نظامی نبودند را به کام مرگ کشاند. ۱۵۶ انسان جان خود را از دست دادند؛ انسان‌هایی که شاید هرگز تصور نمی‌کردند نخستین موشک‌های جنگ قرار است بر سر کلاس‌های درس و رویای کودکان فرود بیاید. مدرسه دخترانه «شجره طیبه» و مدرسه پسرانه «ره‌پویان شهدای خلیج فارس» که در یک مجموعه آموزشی قرار داشتند، نخست در ساعت ۱۰:۴۵ و بار دیگر در ساعت ۱۱:۱۹ هدف موشک‌های تاماهاوک آمریکا قرار گرفتند. موشک دوزمانه دوم، فرصتی برای فرار باقی‌نگذاشت. در میان قربانیان این فاجعه، نام «محمود غلامیانی» نیز دیده می‌شود. او نه دانش‌آموز بود، نه معلم و نه عضو کادر مدرسه. انسانی

روایتی از محمود غلامیانی؛ شهروندی که برای نجات کودکان مینابی به شهادت رسید

قهرمان گمنام میناب؛ مردی که میان دو موشک ایستاد